

جامعه‌شناسی و دین

آشتی بنیانی یا نزاع نظری

دکتر محمد سعید سعیدی

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

سعیدی، محمد مسعود، ۱۳۴۲، جامعه‌شناسی و دین: آشتی بنیانی یا نزاع نظری، تهران، کویر، ۱۳۹۶.

ISBN: 978-964-214-166-1

۱۲۴ ص.: مصور، فیبا.

۱۴/۵×۲۱/۵ س.م. فیبا. کتابنامه. نمایه.

دین و جامعه‌شناسی.

۱۷ ج ۷ س/ BL ۶۰

شماره کتابشناسی ملی: ۴۹۱۱۹۲۰

۶/۳۰۶

www.ketab.ir



انتشارات کویر

جامعه‌شناسی و دین (آشتی بنیانی یا صلح نظری)

دکتر محمدمسعود سعیدی

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

• طراح جلد: سعید زاشکانی • امور فنی و صفحه‌آرایی: انتشارات کویر، نسرين قدرتی

• چاپ و صحافی: سپیدان تهران • شمارگان: ۵۰۰ • چاپ اول: ۱۳۹۶

• شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۱۴-۱۶۶-۱ ISBN: 978-964-214-166-1 • قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

Email: kavirbook@gmail.com

• نشانی: تهران، کریم‌خان زند، ابتدای قائم‌مقام فراهانی، کوی یکم، شماره ۲۰، ساختمان کویر

• کد پستی: ۱۵۸۵۹۱۴۹۱۳ • تلفن: ۸۸۳۰۱۹۹۲ - ۹ و ۸۸۳۴۲۶۹۸ • نمابر: ۸۸۳۴۲۶۹۷

• تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً،

به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)

بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

فهرست

مقدمه و د. ح. یک، مسأله	۹
فصل اول: تألیف‌هایی ناتمام برای تولید علم دینی	۱۷
مروری کوتاه بر اندیشه‌ها	۱۷
جامعه‌شناسی، مدل با دین اسلام، به جای جامعه‌شناسی اسلامی	۲۳
فصل دوم: گزاره‌های بنیادین و علمی جامعه‌شناسی	۲۹
مقدمه	۲۹
گزاره‌های شناخت‌شناسانه (و مبانی روش‌شناختی)	۳۲
تجربه‌گرایی	۳۲
پوزیتیویسم	۴۲
معرفت‌شناسی تاریخی	۴۶
جامعه‌شناسی علم، چرخش بازتابی و تحلیل‌های زبانی	۴۷
رویکرد فمینیستی به علم	۵۰
رویکردهای تفسیری	۵۱
رویکرد تفسیری: ژرفانگری پدیدارشناسانه	۵۴
رویکرد تفسیری: دیدگاه انسان اقتصادی	۵۵
رویکرد تفسیری: عمل‌گرایی	۵۶
رویکرد تفسیری: چرخش زبانی و دیدگاه وینچ	۵۸
رویکرد تفسیری: دیدگاه روایی	۶۳
رویکرد تفسیری: هرمنوتیک	۶۳

۶۵	رویکرد تفسیری: عقلانیت انتقادی و ارتباطی
۶۹	رنالیسم انتقادی
۷۴	طبیعت گرایی انتقادی
۷۹	گزاره مربوط به منطق عمومی
۷۹	گزاره های هستی شناسانه
۸۰	انتولوژی عمومی
۸۳	انتولوژی خاص جامعه شناختی
۸۵	گزاره های مربوط به ارزش ها و اخلاق
۸۵	نسی گرایی اخلاقی
۹۱	رابطه ارزش و عزم
۹۳	فصل سوم: بررسی سازگاری یا ناه ازگاری گزاره های بنیادین با اندیشه اسلامی
۹۳	مقدمه
۹۴	ارزیابی گزاره های شناخت شناسانه و منطقی
۹۵	گزاره های شماره ۳ تا ۴۵
۹۸	گزاره های شماره ۱ و ۲
۹۹	اصالت شناخت حسی
۱۰۴	ملاک آزمون پذیری (یا ابطال پذیری)
۱۰۷	ارزیابی گزاره های هستی شناسانه
۱۰۸	ارزیابی گزاره های مربوط به ارزش ها و اخلاق
۱۱۱	نتیجه گیری
۱۱۷	منابع
۱۲۱	نمایه

د نقده و طرح يك مسأله

در جامعه کنونی ایران، از طرفی تلاش فزاینده و فزونی گسترده‌ای برای اسلامی کردن علوم، به ویژه، علوم انسانی، و خصوصاً علوم اجتماعی در جریان است. این تلاش‌ها غالباً از طرف بعضی از مؤسسات فرهنگی، و همکاری برخی از حوزویان و دانشگاهیان انجام می‌گیرد. از طرف دیگر، بخشی از جامعه علمی و دانشگاهیان کشور نیز با این فعالیت‌ها و با روند اسلامی‌سازی علوم موافق بوده، و از آن استقبال نمی‌کنند. به طور کلی، یکی از مباحثی که در دهه‌های اخیر در میان علما و محققان مطرح شده، و امروزه هنوز مورد مشاجره می‌باشد، مسئله امکان علم دینی، و در صورت امکان، ویژگی‌های علوم دینی، یا به طور خاص، ویژگی‌های علوم انسانی اسلامی است. عده‌ای مناقشات مختلفی نسبت به امکان علم دینی و اسلامی دارند، و آن را ناشدنی، بلکه بی‌معنا تلقی می‌کنند، و در مقابل، برخی از امکان وجود آن دفاع کرده، و در پی ارائه راهکارهایی برای تولید علم دینی - اسلامی می‌باشند.

در این میان، تمرکز و حساسیت بحث‌ها بیشتر متوجه علوم انسانی و خصوصاً، علوم اجتماعی است. کسانی که امکان علم انسانی و اجتماعی دینی را پذیرفته‌اند، و چنین می‌اندیشند که علم انسانی و بالخصوص، علم اجتماعی اجمالاً می‌تواند

به نوعی دینی و اسلامی باشد، باز مسأله دیگری بین‌شان مطرح است که معنای چنین علم اجتماعی اسلامی چیست، و چه خصوصیتی دارد. آیا خصوصیاتش به گونه‌ای است که می‌توان آن را حقیقتاً علم اسلامی نامید، یا باید آن را علمی با رویکرد اسلامی دانست، یا فقط می‌توان از علمی با رویکرد همدلانه با دین اسلام صحبت کرد.

در این خصوص، طیفی از نظرات مختلف، از تأکید بر جنبه‌های دینی و اسلامی، تا تأکید بیشتر بر جنبه‌های محض علمی (تجربی) وجود دارد. همیشه، یک تمایل سنتی‌تر به این سمت بوده است که علم اجتماعی اسلامی را منحصر در آن دانش و اندیشه‌ی اجتماعی بداند که از منابع اسلامی مثل قرآن و روایات، استنباط شده است. این نظر با مناقشات زیادی روبرو شده است. اما کسانی که به تمایزات و روش علمی (علوم تجربی)، لوازم و پیامدهای آن، و گستره‌ی ادعاهای منتج از آن، و به طور کلی، به تفاوت‌های شناخت علمی با سایر شناخت‌ها، توجه و اساس بیشتری دارند، شناخت حاصل از استظهار یا تفسیر متون دینی را - هر چند به نام علم - ارزش آن اعتراف داشته باشند. اصطلاحاً علم به معنای خاص (علم تجربی) نمی‌دانند. در میان کسانی که بدین ترتیب برای شناخت حاصل از منابع دینی، شان و تازکد متفاوتی از شناخت حاصل از علوم تجربی قائل‌اند، یکی از رایج‌ترین و مشهورترین اظهارات نظری در مورد ماهیت علم اسلامی، این است که علم تجربی با - ماهی معرفت‌شناختی، وجودشناختی، روش‌شناختی و سایر گزاره‌های بنیانی خود را از منابع و اندیشه‌ی اسلامی اخذ کند تا اسلامی باشد.

نظریه‌ی یادآوری شده در سطرهای بالا در مورد ماهیت علوم انسانی اسلامی (یعنی اخذ مبادی علم از منابع اسلامی) - خواه درست باشد و خواه نادرست - یکی از مهم‌ترین نظرات در میان کسانی است که امکان علم دینی را پذیرفته‌اند. این نظریه تا کنون به شیوه‌های متفاوت، و با اختلافات اندک، توسط افراد مختلف حوزوی و دانشگاهی بیان شده است. در عین حال، عملیاتی کردن نظریه اخذ مبادی علم از منابع دین، دشوار بوده، و تا کنون انجام نشده است؛ در عمل،

تلاشی کامل و جامع و منتج صورت نگرفته تا مبادی بنیادین مربوط به یک موضوع علمی خاص، از منابع و جهان بینی اسلامی استنباط شود، به طوری که بستری عملی و مؤثر برای انتاج گزاره ها، مسائل، نظریه ها، و شکل گیری یک علم تجربی اسلامی، مثلاً جامعه شناسی اسلامی فراهم گردد. ظاهراً چنین کاری اگر ناممکن نباشد، بسیار دشوار است.^۱

تحقیقاتی که تا کنون با الهام از رویکرد نظری بالا، و با توجه به مبادی علوم، درباره علم دینی صورت گرفته، با تمام اهمیتی که دارد، و راهگشای برخی از بحث های بیشتر در این موضوع بوده، هیچکدام از حد اظهارات نظری کلی فراتر نرفته است. در این گونه تحقیقات، غالباً برداشت رایج از علم تجربی، تجربه گرایی محض در علوم طبیعی، و دربره ریسم (اثبات گرایی) در علوم اجتماعی است. گویا می خواهند اعتماد به تجربه را در علم اجتماعی را مختص به رویکرد پوزیتیویسم نشان دهند، و فقط آن را نقد کنند، در حالی که دانش جدید^۲، و علوم اجتماعی در همه ی رویکردهای خود (نه فقط رویکرد پوزیتیویسم)، اجمالاً کم یا بیش، به آزمون تجربی متعهد است - البته، با وجود اختلافاتی مهم در چند و چون این تعهد که در ضمن مباحث همین کتاب بیان خواهد شد. بنابراین، معمولاً هر گاه خواسته اند علوم اجتماعی و مبادی آن را بررسی و نقد کنند، به نقد پوزیتیویسم اکتفا کرده اند، و به این مسأله کم تر توجه نموده اند که علوم اجتماعی وجود، ممکن است چه پیچ و خم هایی را بعد از پوزیتیویسم، به خود دیده باشند.

ریشه اصلی تمام تلاش هایی که در جوامع اسلامی برای اسلامی سازی علوم، و به ویژه، علوم اجتماعی و جامعه شناسی صورت می گیرد، این باور است که علوم جدید که در فرهنگی غیر از فرهنگ اسلامی تکوین و توسعه یافته اند، با دانش و فهم دینی ناسازگاراند. گاهی رشد علوم تجربی را معلول عواملی مثل اومانیزم،

۱. نویسنده در فصل اول این کتاب، علت دشواری تأسیس ابتدایی چنین علمی را تشریح کرده است.

سرمایه‌داری یا دیانت در غرب دانسته‌اند که این عوامل با روح اسلام هماهنگ نیستند. بر طبق تصویری رایج، علوم و دانش‌های تجربی نوین بر مبادی و پیش‌فرض‌هایی نسبت به جهان و انسان و شیوه کسب دانش مبتنی هستند که با جهان‌بینی و دریافت‌های دینی - اسلامی در تضاد و ستیز می‌باشند، زیرا که دین و خصوصاً اسلام نگاهی کاملاً متفاوت به هستی، انسان و مسئولیت‌های انسانی، و دیدگاهی کاملاً متفاوت به آگاهی و علم مفید و معتبر دارد. این تصور و باور نسبت به رابطه علوم نوین و اسلام، با توجه به تاریخ تکوین و رشد علوم جدید، معیسه به نظر می‌رسد. در نگاهی کلی، ممکن است این چنین اظهار نظر شود که علوم تجربی، جدید محصول سکولارشدن دانش بشر در قرون وسطی می‌باشند؛ در واقع، دانشمندان جدید در واکنش به علم‌ستیزی قرون وسطایی ارباب کلیسا، سرمست از آشفته‌نار، تازه و مدل‌های نظری موفق، برای تبیین جهان، دیگر نیازی به تصور تصور شده‌اند، و دخالت او در عالم احساس نمی‌کردند تا بیاید و رخنه‌ای را پر کند (مثل نظریه شمس نیوتن). همچنین، دانشمندان جدید، مبتهج از اختراعات بی‌سابقه و خلاقانه (اختراع ماشین بخار، و انقلاب صنعتی)، انسان را چنان قادر به تسلط بر محیط اطراف خویش و تغییر آن پنداشتند که جهت ساختن یک زندگی بهتر و متمدن‌تر، دیگر نیازی نمی‌دیدند تا به درگاه الهی دعا و نیایش برند، بلکه به جای پرداختن به تالیف دینی، حقوق انسانی را مطرح کرده، و به دنبال استیفای آن برآمدند.

این گونه توصیفات گرچه، واقعیت‌های مهمی را بیان می‌کنند، ولی برای اظهار نظر کامل، درباره ماهیت علم نوین کافی نمی‌باشند. اولاً، رصیات بالا ویژگی‌ها و تحولات فکری اولین عالمان تجربی مهم را در عصر نوزایی - به ویژه، از کوپرنیک تا پایان سده ۱۸ میلادی (دامپی بر ۱۳۷۱: ۱۲۱-۲۳۴) - بیان می‌کند، ویژگی‌هایی که غالباً همزاد و همراه علم جدید شمرده می‌شود، ولی دقیقاً معلوم نیست که این ویژگی‌ها تا چه حد در بنیان‌های دانش نوین نفوذ کرده، و چه تأثیرات ماندگاری در آن داشته است. برای فهم این دقایق، نیازمند کاوش در مبادی علم تجربی نوظهور در آن روزگار هستیم؛ تحقیق ادوین آرتربرت که با عنوان مبادی

مابعدالطبیعی علوم نوین ترجمه شده است، بررسی خود را در این موضوع، به نیوتن خاتمه داده، و بعد از او را پی نمی‌گیرد (برت ۱۳۷۴). ثانیاً علوم نوین از زمان ظهورشان در عصر نوزایی و بعد از آن، تا کنون، تحولات، و فراز و نشیب‌های زیادی را به خود دیده‌اند، رشته‌ها و شاخه‌های جدیدی تأسیس شده، و روش‌ها، رویکردها و پارادایم‌های نوینی شکل گرفته‌اند، به طوری که امروزه، نمی‌توان درباره علم تجربی موجود، و شاخه‌های مختلف آن، به یکسان و دقیقاً بر حسب خصوصیات کلی مربوط به دوران تکوین و ناپختگی‌اش قضاوت نمود.

بنابراین، فرضاً ما امکان علم اسلامی را بپذیریم، و- طبق نظری مهم و مشهور^۱- آن را نیز علمی بدانیم که مبادی‌اش را از منابع دینی- اسلامی اخذ می‌کند، در این صورت، کار منطقی این است که نخست، مبادی علم تجربی موجود را بشناسیم، و این مسأله را بررسی کنیم که علم‌هایی که ما آن‌ها را با دین اسلام ناسازگار می‌دانیم، و به همین علت، به فکر اسلامی کردن آن‌ها می‌باشیم، دقیقاً چگونه و چقدر ناسازگارند. آیا یک ناسازگاری بنیادی وجود دارد، یا نه، بعد از تحولات معرفت‌شناختی، و روش‌شناختی دوره‌های اخیر، مبنای دانش تجربی موجود، با جهان‌بینی اسلامی ناسازگاری ندارند، بلکه ناسازگاری‌ای احتمالی فقط در سطح برخی از نظریه‌ها و پیش‌فرض‌های قریب آن‌هاست که برطرف کردن‌شان نیازی به کار ناممکن یا پرصعوبت پایه‌ریزی و تأسیس علم جدیدی نمی‌دارد.

در این کتاب، علم جامعه‌شناسی که در جامعه کنونی ایران یکی از حساس‌ترین علوم نوین در برقراری رابطه با دین می‌باشد، از این لحاظ مورد بررسی قرار گرفته است. برای این کار، گزاره‌های بنیانی و مبادی جامعه‌شناسی موجود و رایج که در رویکردهای کلان یا پارادایم‌ها، و یا در روش‌های عمده در جامعه‌شناسی، نقش پیش‌فرض‌های مهم را بازی می‌کنند، با اشاره‌ای مختصر به تحول تاریخی آن‌ها، شناسایی شده، چند و چون سازگاری یا ناسازگاری آن‌ها با جهان‌بینی و

۱. در فصل اول کتاب، توضیح بیشتری در این باره خواهد آمد.

اندیشه‌ی اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش با اجتناب از کلی‌گویی، نشان داده است که بنیان‌های جامعه‌شناسی امروزی، بعد از گذر از تحولات مختلف، هر چند با نگاهی ابتدایی و یک‌جانبه، ممکن است با جهان‌بینی و تفکر اسلامی ناسازگار به نظر برسند، ولی اگر به همه جوانب مبادی معرفت‌شناختی در علم، و قلمرو ادعاهای آن‌ها توجه شود، ناسازگاری قابل اعتنایی بین بنیان‌های فلسفی جامعه‌شناسی امروزی و اندیشه دینی - اسلامی دیده نمی‌شود. بلکه احتمالاً رنج از نظریه‌های جامعه‌شناسی، و پیشفرض‌های قریب آن‌ها (که جامعه‌شناسانه نمی‌باشد) با تفکر اسلامی ناسازگار باشند که بررسی آن‌ها، و چند و چون ناسازگاری‌شان نیاز به پژوهشی جداگانه دارد. بدین ترتیب، با حفظ بنیان‌های کنونی جامعه‌شناسی، بعد از شناخت دقیق نظریه‌های ناسازگار، فقط کافی است که در صورت امکان، کمک پیشفرض‌های قریب سازگار با دین - اسلام، نظریه‌هایی مناسب‌تر برای توصیف و تبیین جامعه هدف پرورنده شود. به نظر می‌رسد اگر سودای داشتن یک جامعه‌شناسی مورد وفاق، با کارایی بیشتر برای بررسی جامعه مثلاً ایران را در سر داشته باشیم، پیمودن این راه بسی آسان‌تر و هدفی دست‌یافتنی‌تر از تولید ابتدایی یک جامعه‌شناسی اسلامی، به معنای اخذ مبادی علم از منابع اسلامی است. راه و روش پیشنهاد شده در این جا، بدون به هم ریختن شأن جامعه‌شناسی به عنوان یک علم تجربی، معرفت جامعه‌شناختی هم‌دلانه‌تری را برای پژوهش علمی در یک فرهنگ دینی - اسلامی فراهم می‌کند.

بنابراین، نزدیک شدن به یک جامعه‌شناسی بومی که شامل بیشتری برای پذیرشی فراگیرتر در میان گرایش‌های متفاوت در جامعه کنونی ایران داشته باشد، و در نتیجه، عملاً مؤثرتر واقع شود، لااقل در دو مرحله انجام می‌شود؛ در مرحله‌ی اول که کتاب پیش‌رو آن را گزارش می‌کند، گزاره‌های بنیادین عمومی‌تر جامعه‌شناسی موجود که غالباً به نظریه یا نظریه‌های خاصی اختصاص ندارند، استخراج و ارزیابی می‌شوند. این گزاره‌ها اکثراً ماهیتی فلسفی دارند، و مبنای رویکردها یا پارادایم‌های مختلف، یا مبنای روش‌های متفاوت در جامعه‌شناسی می‌باشند. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، در این کتاب، نشان داده می‌شود که این

گزاره‌ها با اندیشه اسلامی ناسازگار نیستند. در مراحل بعدی است که می‌توان پیش‌فرض‌های نزدیک‌تر نظریه‌های جامعه‌شناسی را که با تفکر اسلامی ناسازگار به نظر می‌رسند، استنباط و شناسایی نمود، و در صورت امکان، با پیشنهاد پیش‌فرض‌های سازگار با اندیشه اسلامی، زمینه شکل‌گیری نظریه‌هایی بومی‌تر و همدلانه‌تر با فرهنگ جامعه فراهم می‌گردد. همان‌طور که گفته شد، این کتاب فقط متکفلاً گزارش مرحله‌ی اول این کاوش است.

www.ketab.ir